



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۷/۰۹/۰۶

م. اسحاق نگارگر

تا بوده ایم، در بدی و فساد جلو تر از دیگران بوده ایم!

یادداشت ناشر:

این مطلب جناب استاد بزرگوار نگارگر صاحب درست یک سال و نه ماه قبل در سال ۲۰۱۶ در ماه جنوری در این سایت نشر شده بود. ولی هنوز هم می بینیم که افغانستان بدبختانه از آن آوان نجاست یک قدم هم به طرف خوبی و صداقت و بهروزی مردم نبرد داشته است. پس خواستیم این مطلب آموزنده را دوباره به نشر بگذاریم.

باز بی. بی. سی. زنگ تازه برای ما به صدا آورد که ما بعد از کوریای شمالی دومین کشور در فساد اداری هستیم. حالا مارا چه بلا زده است که در این زمینه از کوریای شمالی عقب مانده ایم؟ قصه ای دیگر است. در کوریای شمالی زور و خشونت تحمل ناپذیر بر مردم مستولی است. مردم رشوت می دهند و نگاه التفات اداره چپان را می خرنند و می ترسند که اگر داستان رشوه ستان را به کسی باز گویند مبادا که متهم به دوست نداشتن رهبر محبوب خود شوند که دیگر در جامعه آنچنانی هفت آب رحمت نیز ایشان را پاک نخواهد کرد. و اما آن سومالی بدبخت که اصولاً دولت ندارد و فساد و رشوه خواری آنجا فساد جنگسالاران است که حرف خود را قانون می پندارند. مقاله ای از جناب عباسی صاحب را که خوب می نویسد و با دل درد مند می نویسد در سایت آریانا افغانستان آنلاین خواندم که پرسیده بود:

"چرا فساد اداری به پایان نمی رسد؟"

و من بسیار دلم می خواست این پرسش را واژگونه از جناب عباسی صاحب بپرسم که:

"چرا فساد اداری باید به پایان برسد؟"

من نمی دانم ایشان این حکایت را شنیده اند که مردی را در یکی از ولسوالی های پُر درآمد فرستاده بودند که به اصطلاح مادگاو زاییده و نانش نیز در روغن افتاده بود. بالاخره چند آدم کله شیخ که می خواستند ریشه او را از آن سرزمین قروت و روغن بیرون بکشند تصمیم گرفتند تا از رشوه خواری و به اصطلاح امروزی ها از فساد اداری او شمه ای به گوش ارباب امور بچکانند.

در عریضه ها طبق معمول آن روزگار نوشتند که شرعاً و اصولاً به قناعت عارضان پرداخته شود. نزدیک بود کار به رسوایی بکشد که جناب ولسوال عارضان را در خانه خود به دعوت فرا خواند و برای شان نان مفصل داد و پس از نان به ایشان گفت:

"برادران اگر به حرف های من گوش بدهید حرف حساب این است که مرا در دیار شما به رایگان نفرستاده اند. من برای اشغال این وظیفه درست یک بکس پُر از پول داده ام و قصدم این بود که از این محل کار سه بکس پول با خود ببرم تا با یک بکس برای خود وظیفه دیگر بخرم و دو بکس دیگر را برای روز مبادا نگاه دارم.

دو بکس را پُر کرده ام و فقط یکی باقی مانده است اگر مرا چند ماه دیگر فرصت بدهید بکس سوم را پُر کرده راه خود را می گیرم و دنبال کار خود می روم ولی عرض و داد شما مایه آن می شود که مردی تازه نفس را با سه بکس خالی برای تان بفرستند پس خود انصاف بدهید که کدام یک به حال تان مفید است. پُر کردن یک بکس خالی من یا پُر کردن سه بکس خالی عوض من؟"

مردم دیدند که حاکم برای شان حرف حساب را می گوید و دریافتند که به خیر و مصلحت شان همان پذیرش حرف حاکم است همه عریضه های خود را در تاق نسیان افکندند و دنبال کار خود رفتند.

آن رشوه خواران قهاری که جناب عباسی صاحب از آنان نام برده اند همان ها هستند که دو بکس را پُر و با یک بکس ناف دوسیه سازان خارنوالی را چرب کرده اند و سند برائت خود را به دست آورده اند و اینک عباسی صاحب از مقامات می خواهند که آنان را برکنار کنند و گرگان تازه نفس را به جان مردم بگمارند و دیدی که گرگان تازه نفس مردم را طبق شرعاً زیر چوب افکندند و به زور چوب پولک های جیب شان را کشیدند که مقامات شرعاً و حصولاً منظور شان بوده است و چون بی سوادى سکه معمول بازار روز است حصولاً را اصولاً نوشته اند و مردم را به گمراهی انداخته اند.

جناب عباسی صاحب بزرگوار پرسیده اند:

"چرا دامن فساد اداری برچیده نمی شود؟"

و من پرسش را باژگونه می کنم و می پرسم:

"چرا دامن فساد اداری باید بر چیده شود؟"

و اما دلیل های من:

"مگر رئیس جمهور و معاون اجرائیه هر دو برای اینکه انتخابات را ببرند هرچه پول داشتند خرج نکردند؟"

مگر آنان حق ندارند به جای یک بکس که خرج کرده اند سه بکس پُر کنند؟"

مگر وکیل های شوری هر کدام یک یک بکس پول خرج نکرده اند و نباید سه سه بکس پُر کنند؟"

مگر آقای زاخیلوال و آقای اتمر هر دو برای رئیس جمهور پول خرج نکرده اند و نباید سه سه بکس پُر کنند.

بیچاره مردم بالاخره مجبور می شوند شعار بدهند که زنده باد رشوت خواران یک بکسه!

اگر می توانید جلو رشوه خواران سه بکسه را بگیرید که حوصله اش را نداریم. لطفاً در حلقه های گوناگون دفتر

سالاری امر اکید بدهید که اصولاً را هرگز حصولاً ننویسند و بهانه به دست رشوت خواران ندهند.

مرا ز خیر تو امید نیست شر مرسان! فاعتبروا یا اولی الابصار. م. ا. نگارگر

برمنگم ۲۹ جنوری ۲۰۱۶